

اشاره

با چند تن از همکاران دربارهٔ جوانب ظاهری و محتوایی کتاب «دین و زندگی» یا «قرآن و تعلیمات دینی» سال دوم متوسطه به گفت‌وگو نشستیم. این همکاران که هر یک در کار تدریس سال‌ها سابقه دارند عبارت بودند از:

محمد حسن افخمی (دبیرستان شاهد)، مرتضی عابداردکانی (سرگروه استان یزد، و دبیر مدرسهٔ سیدالشهدا در شهر اردکان)، فخرالسادات دژکام (دبیرستان شاهد شهید حیدری)، خدیجه برزگر (دبیرستان فرزندگان حکیم‌زاده) و حمیده فلاح‌یخرانی (دبیرستان فرزندگان حکیم‌زاده).

گفت‌وگورا با این پرسش آغاز می‌کنیم که مجموعهٔ قالب ظاهری کتاب، مثل اندازه، رنگ‌های به‌کار رفته، طراحی جلد، عکس‌ها و

طرح‌های داخل صفحه‌ها، حجم و وزن کتاب چه طور است؟

آیا از نظر بصری جاذبه دارد؟

مرتضی عابدی اردکانی: ما دو نوع هنر داریم: هنر عینی و هنر انتزاعی. چهار جلد کتاب دبیرستان از سال اول تا پیش‌دانشگاهی را جلوی روی مان گذاشته‌ایم. بر جلد کتاب‌های سال‌های دوم و سوم فقط مفاهیم انتزاعی را طراحی کرده‌اند و در نگاه اول بیننده احساس نمی‌کند که طرح به مفاهیم حوزهٔ دینی مربوط است.

اماطرح جلد کتاب سال اول خوب است؛ کاشتن نهالی را نشان می‌دهد که امید می‌رود به ثمر بنشیند. طرح روی جلد کتاب دینی و قرآن پیش‌دانشگاهی هم حاوی دو بخش معرفتی (توحید) و تاریخ تمدنی است و به دانش‌آموز القامی‌کند که در کتاب از همین موضوع‌ها صحبت می‌شود.

چندتن از دبیران استان یزد:

میانی ارزشیابی درس «دینی و قرآن» را تغییر دهید

رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی
مهرداد مروجی



اشاره می‌کنم که در جلسه‌ای با حضور مؤلفین من به‌ویژه کتاب سال دوم را نقد کردم و گفتم که طرح روی جلد و تصاویر داخل کتاب نمی‌توانند دانش‌آموزان را به هدف‌های متعالی کتاب راهنمایی کنند. زیرا دانش‌آموزان دبیرستانی خیلی نمی‌توانند با هنر انتزاعی ارتباط بگیرند و سبک‌های هنری و ممیزه‌های آن‌ها را نمی‌شناسند تا به تجزیه و تحلیل این هنر در کتاب بپردازند.

اگر کتاب‌ها ارتباط معنایی و مفهومی دارند، پس وقتی روی جلد کتاب اول متوسطه طرح و عکسی با بار توحیدی است، طرح روی جلد کتاب دوم متوسطه مفهومی معادی را برساند و طرح جلد کتاب سال سوم نبوت و امامت، و طرح جلد کتاب پیش‌دانشگاهی باید گویای تاریخ تمدن باشد اما چنین نشده است.

خدیجه بزرگر: با تجربه می‌گویم که حجم مطالب کتاب اول کم است و خوب می‌شود کار کرد. مطالب تکراری هم ندارد اما رنگ صفحات کتاب سال دوم مناسب نیست. کاغذ کاهی روی دانش‌آموزان تأثیر منفی دارد. من کتاب قدیم سال دوم را دارم. وقتی آن را با خودم سر کلاس می‌برم، بچه‌ها می‌گویند: خانم کتاب شما چه قدر خوشگل است ولی کتاب ما این‌طور نیست. رنگ زمینه آیات باید مناسب و قشنگ باشد که چنین نیست. باید از رنگ‌های شاد و نشاط‌آور استفاده کرد.

حدیث قدسی که پشت جلد کتاب سال دوم آمده، به این دلیل که بدون رنگ با طرح زمینه است، نبودنش بهتر است؛ مگر اینکه آن را با طرح قشنگی همراه کنند.

فخر السادات دژکام: کتاب سال اول با «راز شکفتن گل چیست» خوب شروع شده است که اشاره به راز شکفتن استعدادهای دارد. در درس بعدی این کتاب، نهال خرمایی که به نخل تنومندی تبدیل می‌شود، با جلد کتاب هم‌خوانی دارد و تا آخر کتاب نیز چنین است. ولی جلد کتاب سال دوم با محتوای آن مطابقت ندارد.

محمدحسن افخمی: در سال‌های اول تألیف کتاب یعنی سال تدریس آزمایشی و سال بعد از آن، تصاویر داخل کتاب کاملاً انتزاعی بودند. در همان جلسه‌ای که آقای عابدی بدان اشاره کرد و سرگروه‌های دینی و قرآن سراسر کشور حضور داشتند، یکی از سؤال‌ها از دکتر اعتصامی این بود که تصاویر کتاب چه پیامی دارند. دکتر اعتصامی گفت: ما مفهومی را که می‌خواهیم به دانش‌آموز منتقل کنیم، به گرافیک می‌گوییم و از او می‌خواهیم که طرح و تصویری برای انتقال پیام به مخاطب تهیه کند که تأثیر هم داشته باشد.

پس از آنکه طرح تهیه شد، با همکاران آن را بررسی می‌کنیم و پس از شنیدن پیشنهادهای و انتقادهای و اصلاح نهایی، تصویر تصویب و در کتاب چاپ می‌شود.

همکاران همان موقع از ایشان پرسیدند پیام این تصویر چیست. گفت: هدف ما این نیست که پیام تصویر را به شاگردان بگوییم. پیام تصویر را خود شاگرد باید دریابد. قرار شد گرافیک را برای توضیح دعوت کنند اما وی گفت: اگر قرار باشد دربارهٔ پیام طرح توضیحی بدهیم، بهتر است آن توضیح را زیر طرح بنویسیم. نتیجهٔ بحث این بود که طرح‌ها و تصویرها نامفهوم‌اند.

البته سال بعد اصلاح شد ولی چه کردند؟ چند طرح انتزاعی قرار دادند که تاکنون همان‌ها هستند و طرح‌ها و تصویرهای کتاب، پیام خاصی برای شاگردان ندارند.

عابدی اردکانی: شاید نباید از دانش‌آموز انتظار داشت که دربارهٔ طرح و تصویر حرفی بزند.

افخمی: بخشی از تصویرهای کتاب گویا هستند و با موضوع درس تناسب دارند ولی بخشی این ویژگی را ندارند اما تصویر جلد کتاب اول متوسطه دقیق است و لب کلام کتاب را به مخاطب منتقل می‌کند که همان نشان دادن درخت ایمان در دل دانش‌آموز است تا به شکوفایی برسد. در خود کتاب هم به این هدف تصریح شده است و با خواندن درس‌ها بدان پی می‌بریم. به این ترتیب، آموزش غیرمستقیم از جلد کتاب آغاز می‌شود.

طرح روی جلد کتاب سال‌های دوم و سوم، با آنکه آموزه‌های هنر اسلامی (شمسه و معماری اسلامی) را مطرح می‌کنند، ارتباط روشنی با موضوع کتاب ندارند. جلد کتاب پیش‌دانشگاهی به‌طور مستقیم به موضوع فرهنگ و تمدن که در کتاب آمده است، اشاره دارد.

آیا رسم‌الخط آیات کتاب سال دوم را مناسب می‌دانید؟ به نظر شما آیا این رسم‌الخط می‌تواند در خواندن قرآن با رسم‌الخطهای دیگر به دانش‌آموزان کمک کند یا مشکلی پیش می‌آورد؟

حمیده فلاح‌بخرانی: اگر قرآنی را که با همین رسم‌الخط نوشته شده است، به دانش‌آموز بدهم، راحت و بدون اشکال می‌خواند اما در خواندن قرآنی که با رسم‌الخط دیگری کتابت شده است، به مشکل برمی‌خورم. رسم‌الخط کتاب دینی و قرآن برای خواندن آیات آسان‌تر است.

افخمی: پیشنهاد می‌کنم با آقای میرتقی، از همکاران بازنشستهٔ ادارهٔ کل آموزش و پرورش استان یزد که سابقهٔ تدریس هم دارد، دربارهٔ رسم‌الخط گفت‌وگو کنید و نظرش را دربارهٔ رسم‌الخط آیات



اگر قرآنی را که با همین رسم‌الخط نوشته شده است، به دانش‌آموز بدهم، راحت و بدون اشکال می‌خواند اما در خواندن قرآنی که با رسم‌الخط دیگری کتابت شده است، به مشکل برمی‌خورم. رسم‌الخط کتاب دینی و قرآن برای خواندن آیات آسان‌تر است

آیات قرآن بدون ترجمه و پیام، حتی در خود مصحف هم جاذبه و اثر هنری خاصی ندارند و قرار هم نیست با رسم الخط این اتفاق بیفتد. پیام و ترجمه آیه است که در جذب دانش آموز حرف اول را می‌زند. به همین دلیل است که در تألیف کتاب بر فهم و تدبر در آیات کتاب تأکید می‌شود که منطق درست و هدف ارزشمندی است. مشکل عمده به اجرای برنامه‌ها برمی‌گردد

کتاب بپرسید. او متخصص رسم الخط قرآنی است و سابقه دیرین در این زمینه دارد. ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد زبان‌شناسی است.

به نظر شما دبیران محترم آیات کتاب آن قدر جاذبه دارند که دانش آموزان را برای خواندن مستمر قرآن ترغیب کنند؟

افخمی: واقعیت را می‌گوییم؛ چنین جاذبه‌ای وجود ندارد.

عابدی اردکانی: با این کتاب، کسی قرآن خوان نمی‌شود.

دژگام: می‌دانید که از کتاب در کنکور سؤال می‌آید. لذا دانش آموز فقط دنبال این است که بتواند تست بزند. اگر دینی و قرآن را از کنکور بردارند، شاید برای بچه‌ها جذاب شود.

برزگر: آیات کتاب خوب‌اند، ولی بچه‌ها به خاطر ترس از کنکور کتاب را می‌خوانند. مثلاً در «نعمت الله علیکم» می‌خواهند بدانند «نعمت» در این آیه چیست. فقط حفظ می‌کنند تا تست بزنند. در این وضعیت همیشه اضطراب و استرس دارند. اگر مطلب را در حالت عادی بخوانند، خیلی مؤثر است.

فلاح یخرانی: به نظرم بهتر است آیات قرآنی را با حاشیه (تذهیب) و با خط زیبا در کتاب درسی بیاورند. و با توجه به اینکه بچه‌ها در مورد دست زدن به آیات وضو داشتن یا نداشتن توجهی ندارند، خوب است از اول و هنگام چاپ کتاب، ورقه طلقی یا چسب‌های مخصوص روی آیات قرار دهند تا دانش آموز بداند نباید بدون وضو به آیات دست بزند. خودم به بچه‌ها می‌گویم روی آیات چسب پنج سانتی بزنند.

افخمی: نکته‌ای در تکمیل سخن همکار محترم خانم یخرانی عرض کنم. گذاشتن روکش روی آیات هنگام چاپ تبعاتی دارد. شاید یکی از هدف‌های آوردن آیات در کتاب درسی این باشد که دانش آموز یاد بگیرد با آیات چه‌طور برخورد کند؛ از جمله دست بی‌وضو به آیه نرساند.

اما در پاسخ به موضوع جاذبه آیات باید بگویم آیات قرآن بدون ترجمه و پیام، حتی در خود مصحف هم جاذبه و اثر هنری خاصی ندارند و قرار هم نیست با رسم الخط این اتفاق بیفتد. پیام و ترجمه آیه است که در جذب دانش آموز حرف اول را می‌زند. به همین دلیل است که در تألیف کتاب بر فهم و تدبر در آیات کتاب تأکید می‌شود که منطق درست و هدف ارزشمندی است. مشکل عمده به اجرای برنامه‌ها برمی‌گردد.

مشکلات اجرایی بخشی به توانمندی مجریان و سازوکاری که مؤلفان برای اجرا گذاشته‌اند،

باز می‌گردد و بخشی نیز به وضعیت فرهنگی و اجتماعی‌ای مربوط می‌شود که دانش آموز با آن سروکار دارد. در کتاب جدولی طراحی شده و پیامی ناتمام در آن آمده است تا دانش آموز آن را کامل کند. اگر دانش آموز بفهمد پیام آیه چیست، می‌تواند جمله را تمام کند. هدف مؤلفان هم این است که وی از آیه، پیامش را استنباط کند.

در سال‌های اول و دوم متوسطه این مشکل خیلی کم‌رنگ است و در سال‌های سوم و پیش‌دانشگاهی کنکور اضافه می‌شود. معلم و دانش آموزان مفاهیمی را که در خود کتاب آمده‌اند، سر کلاس متوجه می‌شوند، زیرا مفاهیم روشن و پیام‌ها واضح و قابل فهم‌اند. اما همین پیام روشن در کنکور دچار چرخش می‌شود. تعابیر به تعابیر اصطلاحی مانند علیت، معلولیت، تقدم، تأخر، جزئیات، کلیات و مانند آن تبدیل می‌شوند. اگر در کنکور همان پیام روشنی را که کتاب و معلم به دانش آموز داده‌اند مقابل او بگذارند، آن‌را می‌فهمد؛ زیرا درس را بلد است و آیه را نیز فهمیده است و لذا متوجه می‌شود کدام گزینه در کنکور مورد نظر است. در غیر این صورت، جواب و گزینه غلط را انتخاب می‌کند و در نتیجه نسبت به آموزش و فهم قرآن، واکنش منفی نشان می‌دهد. چنین جریان‌هایی در کنکور، کار و زحمت مؤلفان و معلمان را از بین می‌برد. باید بین این نهادها هماهنگی به‌وجود بیاید.

این هماهنگی چطور باید به‌وجود بیاید؟

افخمی: دفتر تألیف کتب درسی و سازمان سنجش باید با هم به تفاهم برسند.

برزگر: دانش آموزان تمام پیام‌ها را بلدند ولی در کنکور سؤال‌ها پیچیده‌اند. از بنده قبول کنید، اگر آن سؤال‌ها را به همکاران خویم هم بدهند، شاید چهار پنج مورد اشتباه جواب دهند. این روش بچه‌ها را از درس دور می‌کند.

اگر شما مؤلف کتاب سال دوم متوسطه بودید، چه تغییراتی در درس به‌وجود می‌آوردید و چرا؟

افخمی: ای کاش قبلاً با ما موضوع را در میان می‌گذاشتید تا درباره‌اش فکر کنیم.

آقای افخمی، در این مورد از جناب آقای عابدی اردکانی بپرسید. ما از اسفندماه سال پیش با ایشان هماهنگی‌های لازم را انجام داده بودیم؛ آن هم مکتوب و به‌صورت رسمی جالب است که سؤال‌ها را نیز آقای عابدی تنظیم کردند و ما تأیید کردیم. اینکه چرا با همکاران محترم در میان نگذاشتند، واقعاً نمی‌دانیم!

برزگر: بچه‌ها از درس‌های اول و دوم کتاب سال

دوم می‌نالند. برایشان جاذبه ندارد. این دودرس چه در مدرسه تیزهوشان، چه در مدارس عادی و چه در هنرستان، مورد علاقه دانش‌آموزان نیستند.

افخمی: درست است. لازم نبود که کتاب با این موضوع‌ها شروع شود.

عابدی اردکانی: یکی از هدف‌های درس این است که به کارکرد دین در زندگی بپردازد لذا کتاب باید رابطه نزدیک بین این دورا نشان دهد. باید توجه داشت که دانش‌آموزی که وارد سال دوم دبیرستان می‌شود، بیشتر از ۱۳، ۱۴ سال ندارد. به این علت برخی از مباحث کتاب برایش سنگین و گاهی پیچیده‌اند. وی به این نوع موضوع‌ها و بحث‌ها چندان نیاز ندارد؛ در حالی که کتاب بر آن‌ها پافشاری می‌کند و در عوض از برخی از موضوع‌ها و بحث‌های مورد نیاز دانش‌آموزان به راحتی می‌گذرد. گذشته از این نکته، گاهی به بحث‌های چالش‌برانگیزی در کتاب پرداخته‌اند که با موقعیت سنی دانش‌آموزان نمی‌شود به آن‌ها پاسخ دقیقی داد؛ موضوع‌هایی که حتی در جامعه نیز پاسخ دقیق ندارند. از جمله این موضوع‌ها در کتاب، احکام کار و سرمایه و رباست. این در حالی است که معاملات معمولی که در کشور صورت می‌گیرند، محل اختلاف و مجادله‌اند. این قبیل موضوع‌ها برای دانش‌آموز قابل هضم نیستند.

به نظر لازم است این موضوع‌ها حذف شوند و درس‌های جدیدتری، مثل پاسخ به شبهات، در کتاب بیایند. البته باید از میان شبهات نیز گزینش کرد و به شبهاتی پرداخت که دانش‌آموزان این سن و سال با آن‌ها درگیرند تا بتوانند پاسخ‌ها را درک کنند. همین‌طور دانش‌آموز توقع دارد احکام را یاد بگیرد. باید احکام را به صورت خلاصه در چهار کتاب دوره متوسطه توزیع کرد.

درس چهاردهم، با عنوان «نظارت همگانی»، به موضوع امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد. بحث و بررسی این درس، خیلی جدی و هنرمندانه نیست. فقط مواردی را فهرست کرده ورد شده است. در حالی که باید بر دلایل و احکام معروف بیشتر و به‌طور اقناعی تأکید می‌شد؛ آن هم در حد دانش‌آموز کلاس دوم دبیرستان.

برزگر: یکی از احکام دینی این است که اگر کسی خمس مالش را ندهد، نماز و روزه‌اش مشکل دار می‌شود. برخی از دانش‌آموزان اگر تا پیش از خواندن این احکام والدینشان را از نظر مذهبی می‌پذیرفتند، اکنون با این بحث‌ها و خواندن این احکام دیگر آن‌ها را قبول ندارند. مثلاً می‌گویند: بابای من خمس نمی‌دهد. متأسفانه در کتاب کلاس سوم دبیرستان آیاتی درباره پدر و مادر

آمده، در حالی که لازم است به این مورد بیش از این توجه شود. زیرا حرمت‌شکنی والدین در خانواده‌ها زیاد مشاهده می‌شود. ما می‌نشینیم تا مشکلی به وجود بیاید و بعد دنبال راه حل برویم. باید اصل را بر پیشگیری گذاشت. ما نمی‌خواهیم احکام اقتصادی را نفی کنیم. آن‌ها بسیار هم خوب‌اند اما نه برای بچه دبیرستانی، آن هم سال دوم!

مؤلفان محترم برای آموزش کتاب، هدف‌هایی را مقرر کرده‌اند که از جمله آن‌ها «تدبر» دانش‌آموزان در آیات است که خود به پیش‌زمینه‌ای مثل ترجمه آیات توسط دانش‌آموز بستگی دارد. آیا معلم با توجه به مقتضیات درس، کتاب و کلاس، در این راستا حرکت می‌کند و می‌تواند انگیزه‌های لازم را در دانش‌آموز برای کسب مهارت تدبر به وجود آورد؟

برزگر: در حد انتظار مؤلف می‌توان گفت آری. من در کلاس، پس از آنکه دانش‌آموزان آیات را خواندند، مثلاً می‌گویم چهار دقیقه درباره آیات فکر کنید. می‌گویم اگر می‌توانید معنی (ترجمه) هم بکنید، بعد جمع‌بندی می‌کنم و معنی درست را می‌گویم. دانش‌آموز با همین معنی ساده‌ای که از آیات می‌شود، قادر است پیام هر آیه را بفهمد و آن را بنویسد. دانش‌آموزان مدرسه ما-فرزنگان حکیم‌زاده-توقع بیشتری دارند. به نظر من در این حد برای هنرستان کافی است. به هر حال، در حد مقبول تدبر نمی‌شود؛ زیرا وقت لازم را نداریم. تدبر نوعی مهارت است، فقط باید زمینه آن را فراهم کرد.

عابد اردکانی: درست است. به نظر من، بیشتر آیات برای دانش‌آموزان، جاذبه ندارند. حداکثر این است که دانش‌آموز «افلایتدبرون» را ترجمه کند. دیگر هیچ نکته تازه و نویی بیرون نمی‌آورد. دانش‌آموز نمی‌تواند از آیات منتخب کتاب، یک نکته علمی جالب استخراج کند. این یک مورد.

مورد بعدی این است که تدبر، حداقل بعد از ترجمه آیات ممکن است؛ در حالی که زبان عربی بچه‌ها خیلی ضعیف است. خیلی از دانش‌آموزان قادر به ترجمه همین آیات نیستند. وقتی ترجمه روان و درست نباشد، چه‌طور می‌توان تدبر کرد؟

نکته سوم این است که بین ارزشیابی وزارتی با ارزشیابی کشوری تفاوت وجود دارد. نهایت ارزشیابی وزارتی دیپلم است. برای دیپلم گرفتن، به دانستن پیام آیات نیازی نیست؛ زیرا در سؤال‌ها نمی‌آید. بدین ترتیب در حد دیپلم، دانش‌آموز به تدبر نیازی ندارد و تدبر مغفول می‌ماند. در نقطه مقابل، ارزشیابی کشوری یا کنکور را داریم. دانش‌آموزی که در مدرسه خوبی درس می‌خواند،

تدبر، حداقل بعد از ترجمه آیات ممکن است؛ در حالی که زبان عربی بچه‌ها خیلی ضعیف است. خیلی از دانش‌آموزان قادر به ترجمه همین آیات نیستند. وقتی ترجمه روان و درست نباشد، چه‌طور می‌توان تدبر کرد

از معلمش انتظار دارد که نکته‌های کنکوری را کار کند. اینجاست که معلم سر دوراهی می‌ماند: آیا او در اختیار آموزش و پرورش است یا در اختیار سازمان سنجش.

در مقدمه کتاب خطاب به دانش‌آموزان گرامی آمده است: «بخش اندیشه و تحقیق، در پایان هر درس با تفکر، تحقیق و مطالعه شما به انجام خواهد رسید.» آیا این هدف آموزشی را گروه‌های دانش‌آموزی یا افرادی از آنان برای فعال کردنشان دنبال می‌کنند؟

عابدی اردکانی: بعید می‌دانم! این بخش نه خیلی «اندیشه» ای است و نه خیلی «تحقیقی»، برای مثال گفته است: «پیام مهم واقعه غدیر را بنویسید.» در صفحه مقابل چهار مورد پیام گذاشته است. خب جواب را «کپی پیست» می‌کند. اما اگر بپرسد «راز مخالفت برخی با واقعه غدیر چیست؟»، آن وقت حرف برای گفتن وجود دارد و دانش‌آموز هم می‌تواند برود تحقیق کند.

دژکام: سؤال‌های قسمت «پیشنهاد» دانش‌آموز را به تفکر وامی‌دارد و ناچار می‌سازد که تحقیق و بررسی کند و کلیدها را حتی از اینترنت بیابد. لذا در بخش «پیشنهاد» بیشتر بچه‌ها داوطلب می‌شوند، آن هم برای نمره گرفتن.

آیا می‌شود بگوییم کمبود وقت یکی از موانع توجه به «اندیشه و تحقیق» است؟

برزگر: بله، بنده دچار این گرفتاری هستم؛ زیرا دانش‌آموز از وقتی پایه کلاس می‌گذارد، در فکر نمره کنکور است. زمانی در مدرسه‌ای تدریس می‌کردم دانش‌آموزان هر چه می‌پرسیدند، جواب می‌دادم. زیرا خارج از وقت کلاس بود و نه من و نه دانش‌آموز برای نمره کنکور اضطراب نداشتیم. در

این کلاس نمره اهمیتی نداشت. **عابدی اردکانی:** اگر زمان تدریس برای کلاس اول سه ساعت بود، مشکلی پیش نمی‌آمد ولی برای پایه‌های دوم و سوم زمان تدریس خیلی کم است.

بفرمایید از میان آیات کتاب پایه دوم کدام آیه یا آیات خیلی کاربردی هستند و از نظر شما کدام یک این ویژگی را ندارند؟

عابدی اردکانی: آیه‌ای که در درس دهم و خطاب به پیامبر اکرم (ص) آمده است: «فیما رحمت من الله لنت لهم و لو كنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک» (آل عمران/ ۱۵۹). این آیه در حوزه اخلاق می‌گنجد. هم خیلی قشنگ و هم نیاز روز جامعه است. این آیه ضمن معرفی پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان الگوی رفتاری، راز ماندگاری اخلاق را نیز یادآوری می‌کند.

برزگر: قبلاً گفتیم که آیه‌های درس پانزدهم، با عنوان «کار در نظام اقتصادی»، مناسب دانش‌آموزان نیستند.

ما طی جلسات گفت‌وگو شاهد تفاوت بین دیدگاه معلمان و مؤلفان محترم بوده‌ایم. تفاوتی که به شکاف بین برداشت‌ها و دریافت‌ها منجر شده است. آیا این فاصله بین مؤلفان و معلمان واقعی است؟

عابدی اردکانی: باید این واقعیت را بپذیریم که بهترین مؤلفان، مدرسان هستند؛ زیرا درس داده‌اند. زمانی می‌توانم از چالش‌برانگیزی موضوعی بین دانش‌آموزان بگویم که آن را تدریس کرده باشم و شاهد واکنش مخاطبان باشم.

مثال بزنم. وقتی می‌گوییم اگر از کسی پولی بگیرد و بعد آن پول را با مبلغ اضافی برمی‌گردانید، آن مبلغ اضافی رباست، آن وقت دانش‌آموز بلند



درس قرآن مغفول
مانده است، زیرا
در سال اول برای
نوبت اول، چهار
نمره مقرر شده
و همین نمره را
برای سال دوم
قرار داده‌اند اما در
درس سال سوم و
پیش‌دانشگاهی
این نمره صفر
است. به این ترتیب
در سال سوم که
دانش آموز باید
دیپلم بگیرد، قرآن
را به صورت کامل
کنار می‌گذارد

وقتی معلم وارد کلاس می‌شود، بسم‌الله می‌گوید
و آیات خوانده می‌شوند. بعد به ترجمه می‌پردازد و
آن وقت پیام آیه را برای ما می‌گوید.

عابدی اردکانی: البته با همکاری دانش آموزان!
برزگر: من در هر جلسه به پنج سؤال
دانش آموزان پاسخ می‌دهم. ذهن برخی از
دانش آموزان پر از سؤال است. نمی‌توانم تمام وقت
کلاس را به سؤال و جواب بگذرانم. یا ممکن است
فردی سؤال‌ی را مطرح کند که اگر حواسم نباشد، دو
ساعت وقت کلاس را بگیرد.

**می‌دانید که مشارکت دانش آموز در
فعالیت‌های آموزشی یکی از مؤلفه‌های ارزشیابی
است. چه قدر این کار انجام می‌شود؟**

برزگر: باید ساعت تدریس را اضافه کنند یا از
تعداد درس‌ها بکاهند و همکاران دیگر هم با این
نظر همدلی نشان می‌دهند.

**آیا ارزشیابی مستمر براساس مؤلفه‌های
شش‌گانه کتاب، که در ابتدای آن آمده، انجام
می‌گیرد؟ اگر ارزشیابی بر این اساس صورت گیرد،
آیا نمره آن اعتبار دارد؟**

عابدی اردکانی: فکر می‌کنم درس دینی و
قرآن با درس‌هایی مانند فیزیک و شیمی، یا تاریخ و
جغرافیا تفاوت دارد. لذا ارزشیابی آن هم باید متفاوت
باشد. اگر دانش آموز وارد کلاس شد و هنگام خروج
تغییر مثبت کرد، پس هدف کتاب محقق شده
است. مسلماً چنین هدفی کمیت‌پذیر نیست؛ زیرا
این کلاس، کلاس شیمی و فیزیک نیست.

همین جا اضافه کنم که به‌ویژه در نوبت دوم،
درس قرآن مغفول مانده است، زیرا در سال اول
برای نوبت اول، چهار نمره مقرر شده و همین نمره
را برای سال دوم قرار داده‌اند اما در درس سال سوم
و پیش‌دانشگاهی این نمره صفر است. به این ترتیب
در سال سوم که دانش آموز باید دیپلم بگیرد، قرآن را
به صورت کامل کنار می‌گذارد.

دژکام: در سال دوم قرائت چهار نمره دارد که
خوب است. همان‌طور که در سال اول هم قرائت
چهار نمره دارد (در ارزشیابی مستمر و ارزشیابی
پایانی) اما به نظر می‌رسد، باید با رزم‌بندی را تغییر
دهند و برای روان‌خوانی ۲۰ نمره بگذارند.

عابدی اردکانی: خوب است نمره‌ها جدا شوند.
۲۰ نمره برای روان‌خوانی قرآن و ۲۰ نمره برای
دینی لحاظ شود.

برزگر: اگر نمره‌ها جدا شوند خوب است.
**از وقتی که در اختیار مجله قرار دادید بسیار
ممنون هستیم.**

می‌شود و می‌گوید پس نظام بانک‌داری کشور
مشکل دارد! این فتوا را هم داریم که «شرط دیرکرد
در پرداخت وام، شرط حرام است.» این تفاوت‌ها
در سال دوم دبیرستان، مجادله برانگیزند. لازم هم
نیست با طرح چنین موضوعی در کتاب درسی،
دانش آموز را دچار تعارض دیدگاه بین دین و دنیایش
کنیم؛ زیرا او نمی‌تواند پیچیدگی‌های اقتصاد را
درک کند. چه اشکالی دارد که آن را حذف کنیم.

**خب، اگر این تفاوت عمیق و چند لایه فقط
مربوط به همین یک موضوع بود، جای حرف و
حدیث باقی نمی‌گذاشت. اگر فقط به نظرهای
همکاران در همین جلسه برگردیم، موضوع
اهمیت پیدا می‌کند.**

برزگر: کسی که در کلاس درس می‌دهد
حالات و رفتار دانش آموز و کهنه‌پرسش‌هایش را
بیشتر و بهتر درمی‌یابد. مادری می‌گفت: دخترم
چت می‌کند. وقتی تذکر می‌دهم، می‌گوید کی
گفته حرام است! این دختر به آسیب کاری که
می‌کند، توجه ندارد.

عابدی اردکانی: می‌دانید که شیطان پرستی،
بهاییست و وهابیت مطرح هستند و ما با این‌ها
مشکل داریم. پس دانش آموزان ما باید ضمن
شناخت اهداف این فرقه‌ها، بتوانند این آفت‌ها را
از خود دفع کنند. اکنون دانش آموز هیچ کدام را
نمی‌شناسد. راه مبارزه را هم بلد نیست. به همین
علت امکان دارد در دام آن‌ها گرفتار شود.

**شما درباره این نظر دانش آموزان که می‌گویند
بهتر است آیات اول هر درس در دل متن و در
جای مقتضی بیاید، چه نظری دارید؟**

عابدی اردکانی: هر یک از دو کار حسنی و
عیبی دارد. اگر آیات پراکنده باشند و در متن درس
بیایند، معلم که می‌خواهد کلاس و درس را با تلاوت
قرآن شروع کند، نمی‌تواند مرتب کتاب را ورق بزند.
دانش آموزان هم نمی‌توانند این کار را بکنند. اگر
امکان داشته باشد، آیات در اول درس بیایند و در
دل درس و در جای مربوط هم تکرار شوند، بهتر
است.

**دانش آموزان با اضافه شدن پیام در کنار آیه‌ها
موافق نبودند.**

عابدی اردکانی: ما معلمان استان یزد، خودمان
این کار را می‌کنیم: اول قرائت آیه را داریم، بعد
ترجمه انجام می‌شود و سپس پیام آیه را استخراج
می‌کنیم.

**در حالی که کار ترجمه و استخراج پیام را
دانش آموزان به عهده دارند. بچه‌ها می‌گفتند**